

هویت کارگران در گرو ماهیت تشکلهای کارگران

هویت کارگران در گرو ماهیت تشکلهای کارگران

به گزارش مندرج در روزنامه ایلنا تاریخ 13.06.1383، علیرضا حیدری، دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، در دومین دوره انتخابات اتحادیه کارگران صنعت آب و برق و در جمع اعضای این اتحادیه گفته است که، سازماندهی و تقویت تشکلهای کارگری در جهت کاهش آسیبهای ناشی از خصوصی سازی و برقراری ارتباط و تعامل بین جامعه کارگری و مالکان بخش خصوصی لازم و ضروری است.

ایشان مدعی شدند که، با روی کار آمدن بخش خصوصی در بسیاری از صنایع همچون صنعت آب و برق، کارگران با افرادی روبرو شده اند که این صنعت را به تملک خود در میاورند، ایشان معترف شدند که، طبق پیش بینی دولت بالغ بر 5 هزار و 200 میلیارد تومان و اگذاری به بخش خصوصی در برنامه سوم توسعه وجود دارد. وی در ادامه گفت که، جریانهای خصوصی سازی، بر گرفته از توصیه ها و رهنمودهای سازمانهای پولی و مالی بوده که در همه کشورها از جمله ایران به انجام رسیده و برنامه های دوم، سوم و چهارم توسعه کشور ما نیز بر اساس آن تدوین شده است.

این دایه مهربانتر از مادر و همپا لگنهایش در نهایت حيله و ریا و در جهت خدمت هر چه بیشتر به اربابان زور و سرمایه برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگری، تشکلات کارگری مد نظر اربابانش را در جهت تعامل و آشتی کارگر با کارفرما میخواد و آن را لازم و ضروری میداند تا بدین نیرنگ از ایجاد تشکلات مستقل خود کارگران جلوگیری کرده و بیش از پیش در امر استثمار کارگران گام بردارند. این کاسه لیس بورژوازی جهانی، سردمداران جمهوری اسلامی را به گونه ای تیرئه کرده و تنها افراد خصوصی را در تملک صنایع مقصر میشناساند و کارگران را تهدید میکند که برنامه چهارم توسعه نیز به توصیه صندوق بین المللی پول، استمرار اخراجها و بیکارسازیهای بیشتری را برای کارگران به ارمغان خواهد آورد، لذا به کارگران توصیه میکند که! برای اینکه مورد غضب اخراج قرار نگیرید، با مزد کمتر و ساعات بیشتر با کیفیت بالاتر برای کارفرمای محترم بخش خصوصی کار کنید، اگر ماهها حقوقتان معوق ماند لب بر نیاورید و در جهت مدارا با کارفرمای خصوصی متحد شوید، چرا که این سیاست سرمایه داری جهانی است و مقدس است!!!

در همین همایش علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر هم داد سخن داد، ولی ایشان در کمال حجب و حیا! سازمان تامین اجتماعی و قوانین و بخشنامه های دست و پاگیرش را مسبب بی حقوقی کارگران معرفی کردند و تمام رنج و مصیبتهای مختلف کارگران را در عدم برخورداری تعدادی از کارگران از قوانین بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور خلاصه کردند و در پایان اظهار امیدواری کردند که، در سایه تشکلهای مد نظر خودشان به روابط کارگر و کارفرما و حقوق صنفی سر و سامان داده و قال قضیه را بکنند!!!

لابد آقای محبوب درست میگویند، چرا که همانروز مهندس شکور ابراهیمی، مدیر کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی اعتراف کردند که تعداد 960471 کارگر بیمه شده در سراسر کشور وجود دارد و برای این تعداد تنها 300 نفر بازرس کار وجود دارد که عملیات بازرسی واحدهای صنعتی را هر چند سال یکبار میسر میسازد، واقعا که پیشرفتهای شایانی در ایران به وقوع پیوسته و

مردم بیخبرند! در کشوری با بیش از 70,000,000 نفر جمعیت که بیش از 70% آن جمعیت جوان است و اکثریت آن جامعه را کارگران و زحمتکشانی تشکیل می‌دهند که زیر خط فقر هستند، تنها کمتر از 1,000,000 نفر بیمه شده هستند و این در حالی است که از سال 70 به اینطرف بخش زیادی از کارگران واحدهای صنعتی و خدماتی وادار شده اند که در قبال اخذ مبلغی ناچیز خودشان خود را بیمه کنند و کارفرمایان از بیمه کردنشان سرباز زده اند، توضیح اینکه طرح فوق طرح پیشنهادی وزارت کار به کارفرمایان است.

همه میدانیم که جهان، منطقه و ایران هم در آستانه تحولات عظیمی است که پس از پایان جنگ سرد و جهانی تر شدن سرمایه سایه شومش را بر سر توده های زحمتکش جهان افکنده و به تبع آن جنبشهای اجتماعی دنیا هم از این قاعده مستثنی نیست ولذا جنبش کارگری ایران نیز وارد فاز جدید و سرنوشت سازی شده است.

مبارزات مستمر و روزمره کارگران بخشهای مختلف صنعتی و خدماتی، مبارزات آشکار زنان، معلمان، پرستاران و دانشجویان، برگزاری هماهنگ و متحدانه اول ماه مه امسال و مبارزات و حمایتهای سرتاسری پس از آن، اعتراضات آشکار علیه کار کودکان برای نخستین بار در روز جهانی علیه کار کودکان، همه و همه گویای این واقعیت است که جنبش کارگری ایران موقعیت ویژه ای بدست آورده که اگر با تلاش جدی کارگران کمونیست و انقلابی و اتخاذ سیاستها و تاکتیکهای اصولی کمونیستی رهبران واقعی آنان و راهکارهای عملی در مسیر رادیکال کمونیستی حرکت کرده و در برابر دستبرد چپ نماهای فرمیست و نئولیبرالها که نمایندگان بورژوازی جهانی هستند ایزوله شود، نه تنها سدی در برابر هر نوع اشغال و دخالتگری امپریالیسم خواهد شد، دارای توانائیهایی بالقوه ایست برای هدایت یک انقلاب اجتماعی عظیم در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب سهم زیادی از قدرت سیاسی آینده ایران و حرکت به سوی سوسیالیسم، اگر این نیروی عظیم میلیونی بتواند خود را در تشکلهای مستقل واقعی خود سازمان دهد و توان بالقوه اش را به قدرتی بالفعل تبدیل کند، خواهد توانست نقش و تاثیر بسزایی در تغییر بافت سیاسی منطقه هم داشته باشد و این سراب نیست و عملی، تنها در گرو ماهیت تشکل کارگری است.

تغییرات محسوس اشکال و رشد پیکار و مبارزات کارگری ایران هر چند که فعلا کم رنگ و پراکنده است اما میرود که خود را سازمان دهد، به همین دلیل است که کارفرمایان خصوصی و دولتی، نهادهای مختلف داخلی که خود را قیم کارگران قلمداد میکنند، حاکمان سرمایه جمهوری اسلامی، طیفهای مختلف اپوزیسیون بورژوایی از قبیل سلطنت طلبان، اکثریتی و توده اییها، احزاب ناسیونالیست و فرمیست، نهادهای زیربند بین المللی و بورژوازی جهانی، همه را به تکاپو واداشته و هر کدام سراسیمه در تلاشند تا به اشکال گوناگون مبارزات کارگری را هر کدام به سود خود منحرف و این اسب سرکش را مهار کرده و مانع عصیانش شوند، آنان در تلاشند نسخه های ضد کارگری را در قالب تشکلهای کارگری برای کارگران بیچند که از تاریخ مصرف آنها مدتها گذشته و کارگران ایران و جهان در طول تاریخ حیاتشان آن را تجربه کرده و پی برده اند که اینگونه تشکلهای در این شرایط تنها آنان را به نا کجا آباد خواهد برد.

سیاست ضد کارگری خصوصی سازی کارخانجات و واحدهای صنعتی از طرف جمهوری اسلامی تنها معلول بحرانهای اقتصادی رژیم نیست، بلکه از بیم اعتراضات متشکل کارگران و ممانعت از رشد راه حل سوسیالیستی جنبشهای اجتماعی و کارگری است.

سیاستهای تعدیل نیروی انسانی و تصویب روزمره قوانین و آئین نامه های ضد کارگری، تعرض روزمره به حقوق کارگران، زنان و کودکان و دیگر توده های زحمتکش و تحت ستم، نه تنها به جهت برون رفت از بحرانهای سیاسی و اقتصادی بلکه به جهت پیشگیری از اتحاد کارگران که میرود شکل استقلال به خود بگیرد، خلاصه امروز در جای جای ایران، سرمایه و حاکمیتش هر روزه در جدالی

سخت با طبقه کارگر ایران قرار گرفته و با شروع دوباره اعدامها و دستگیریها، تعرض روزمره و جدید به حقوق اولیه زنان و جوانان، استنثار دوباره مدارس دخترانه و دهها اقدام ضد انسانی دیگر، تنها به هدف جلوگیری و ممانعت از رشد روز افزون مبارزات رادیکال کارگری و رشد گرایشات سوسیالیستی جنبش کارگری ایران است.

تنها عدم توان رقابت با بازار جهانی سرمایه نیست که کارفرمایان و سرمداران جمهوری اسلامی را به تعطیلی و اعلام ورشکستگی واحدهای صنعتی سوق داده، رشد مطالبات و مبارزات کارگری سرمایه ستیز است که عرصه را بر خدایان سرمایه تنگ کرده. و از طرفی دیگر این کارگران انقلابی و پیشرو هستند که هر روزه در جای جای کشور، سرمایه و حافظانش را به مصاف مبارزه ای قهر آمیز میطلبند.

پراکندگی طبقه کارگر در جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه متأسفانه امر تشکل یابی آنان را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است و این مهم در مورد کارگران ایران ویژگی خاصی دارد، چرا که سرمایه داری ایران در امر پیشبرد الگوهای سرمایه داری جهانی از قبیل خصوصی سازی و اجرای عملی قراردادهای موقت کار و نهایتاً استثمار، سرکوب و ایجاد جو خفقان و ارباب میخواد گوی سبقت را از همه کشورها بر باید.

پراکندگی طبقه کارگر ایران به وسعت کودکان خیابانی، زنان و مردان بیکار، دستفروشان، ماشین شویان متفرقه، سیگار فروشان، واکسیها، کارگران روز مزد پارکها، کارگران کوره پز خانه ها، کارگران فصلی و روز مزد ساختمانی، کارگران نانوائیها، کارگران معادن، آبدارچی و سرایداران شرکتها و کارخانجات، ویزیتورهای شرکتها، کوتاه عمر بازرگانی، منشی و سکرترهای شرکتها و مطبهای خصوصی، باربرها و کارگران روز مزد بنادر و کشتیرانیها، باربران و کارگران خیابانی و بازارهای عمده فروشی، انباردارها، نان خشک جمع کنها، کودکان کار خیاط خانه ها، پینه دوزان و لحاف دوزان دوره گرد، کودکان و زنان قالی بافیها، رانندگان بخشهای مختلف و فاقد اتومبیل، آموزگاران پیمانی، پرستاران، کشاورزان فاقد زمین، کارگران صنایع مختلف و نفت و آب و برق و خلاصه اکثریت جامعه ایران را که هر کدام به نحوی نیروی جسمی و فکری خود را برای کسب لقمه نانی به اقلیت سرمایه دار میفروشند و اغلب آن لقمه نان هم گیرشان نمیاید را میتوان اعضای طبقه کارگر ایران محسوب کرد که اگر این طبقه عظیم میلیونی هم سرنوشت بتواند متحد و متشکل شده و از تجربیات مثبت مبارزاتیش بهره جوید، به آسانی خواهد توانست کل نظام جهل و سرمایه ایران را واژگون کند.

وقتی صحبت از پراکندگی طبقه کارگر ایران میشود منظور پراکندگی محل کار کارگران و در نتیجه پراکندگی مبارزاتشان است، چرا که تاکنون این طبقه عظیم میلیونی هم نتوانسته و هم نگذاشته اند که در تشکلهای واقعی خود سازمان یابد، جناحها و نهادهای مختلف درون رژیم، اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت (از قبیل سلطنت طلبان و توده ایها و اکثریتها و امثالهم)، چپ های سندیکالیست و قدرت طلب و تعدادی از نهادها و احزاب خارجی و دولتهایشان، همه و همه در مقابل جنبش رادیکال کارگری ایران صف آرایی کرده و با ترویج گرایشات سازشکارانه و لیبرالی و اصلاح طلبانه در درون جنبش در تلاشند تا تشکل و مبارزات ضد کار مزدی آنان را منحرف و در حد مبارزات صنفی کاهش دهند و بدین وسیله با تداوم بقای کار مزدی بیش از پیش کارگران را استثمار و به نظام سرمایه جهانی خدمت کرده و با گرایشات سوسیالیستی جنبش کارگری ایران که روز بروز در حال افزایش است مقابله کنند. تشکلهای مورد نظر جناحها و گروههای ضد کارگری نامبرده با توجه به ماهیتش علیرغم اینکه کاملاً ضد کارگری است، تنها میتواند بخش کوچکی از جمعیت میلیونی کارگران ایران را تحت پوشش قرار دهد لذا طرح و حتی اجرای آن به منظور خالی نبودن عریضه است و جهت مهار مبارزات جاری و روزمره کارگران است. ایجاد تشکلهایی چون اتحادیه و سندیکاها که مد نظر نهادها، جناحها و احزاب و گروههای فرمیستی درون و بیرون حکومت، سوسیال بورژواها و چپهای

کمونیسست نما است علیرغم اینکه تاریخا در جهت تحقق پاره ای مطالبات صنفی طبقه کارگر گام برداشته و امروز در جهان به ابزار سرکوب و استثمار کارگران توسط سرمایه جهانی مبدل گشته، در اروپای بظاهر مهد دموکراسی هم مروج و مدافع قراردادهای موقت کار است که هر نوع امنیت شغلی را از کارگران سلب میکند، که همین امر امروز به یکی از مهمترین معضلات طبقه کارگر ایران تبدیل شده.

اما طبقه کارگر ایران در طول حیات مبارزاتیش بویژه در طول 25 سال اخیر هیچگاه منتظر دخالت‌های قیم مآبانه احزاب و گروهها و جناحها و نهادهای مختلف نبوده و علیرغم فقدان حزب سیاسی خود و فقدان تشکلهای مستقل و سراسری خود، پا بر جا و استوار و خستگی ناپذیر و با اتکالی به نیروی خود آگاهی و تجارب اکتسابیش توانسته مبارزاتش را با همه کاستیها ادامه دهد و در این راه موفقیت‌هایی کسب کرده و می‌رود تا بیش از پیش خود را متشکل کند و تا حدودی هویت و ماهیت تشکلاتیش را که همانا ایجاد شوراهای کارگری است باز یابد، نمونه آن مبارزات متحدانه کارگران و مردم زحمتکش خاتون آباد، مبارزات جمعیت کارگری اسلام شهرها و امثالهم، اعتراضات آشکار علیه کار کودکان برای نخستین بار در روز جهانی علیه کار کودکان، مبارزات اخیر کارگران سقر و دیگر شهرها به بهانه برگزاری مراسم اول ماه مه. هیچکدام از این مبارزات در محل کار و در چهار چوب اتحادیه یا سندیکایی سازمان دهی نشده بودند، چرا که آنان کارگران اخراج شده بودند، ولی توانستند در محل زیستشان دور هم جمع شده و خود را سازمان دهند و در محلات و محیط زندگیشان هم حمایت‌های وسیع دیگر مردم زحمتکش و هم سرنوشتانشان را کسب کنند.

این طیف وسیع میلیونی تنها میتواند در محیط زیست خود و در تشکلهای شوراهای مستقل کارگری که همانا هویت واقعی و سوسیالیستی سازمانیشان است خود را سازمان داده، و مبارزاتشان را متحدانه و بی وقفه ادامه دهند. موقعیت و ابزار مناسبی که این خیل عظیم از آن بهره مند است این است که همه در محلات فقیر نشین و حاشیه شهرها ساکن هستند و این امکان ارتباطات و مشاوره و قرار و مدارها را برایشان آسانتر کرده بویژه اینکه کودکان و مردان و زنان همه در یکجا جمع هستند و این تجمع و تراکم امکان تشکیل مجامع عمومی مستمری را برایشان فراهم می‌آورد و مهمتر اینکه این تراکم آنان را در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم مصون میدارد.

عثمان جهانی
10.09.2004